

نقدی بر کتاب «جستارهایی در فلسفه اسلامی»

رمضان مهدوی آزادبنی^۱

چکیده

پرداختن به فلسفه اسلامی که در طول تاریخ در معرض داوری و نوآوری متفکران و فیلسوفان زیادی قرار داشته است همچنان به عنوان یک امر ضروری نیاز جامعه علمی بخصوص در حوزه علوم انسانی است. نظر به تاریخ فلسفه به طور عام و تاریخ فلسفه اسلامی به طور خاص نشان می‌دهد که تاملات فلسفی به مرور زمان نزد بزرگان فلسفه سبب پدید آمدن مکاتب مختلف فلسفی اعم از مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه شده است. غفلت از این امر ضروری می‌تواند منجر به درج‌زدگی یک رشته از جمله فلسفه اسلامی گردد. هدف یادداشت حاضر نقد کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی اثر آقای سید محمد مهدی نبویان است که بنا به اعتقاد نویسنده گرامی هدف از تالیف اثر مذکور بیان نوآوری‌های فلسفی یکی از محققان و متفکران حوزه فلسفه اسلامی آقای غلامرضا فیاضی است. نویسنده در این مقاله انتقادی با روش تحلیلی و رویکرد انتقادی تلاش می‌کند تا اثر مذکور را مورد نقادی قرار دهد. نتیجه ارزیابی انتقادی پژوهش حاضر این است که اثر مذکور را نه تنها نمی‌توان به عنوان یک اثر آموزشی در فلسفه اسلامی در نظر گرفت بلکه نویسنده محترم در تبدیل آن به یک اثر پژوهشی توفیق چندانی حاصل ننموده است و چه بسا در نشان دادن نوآوری‌های فلسفی، محقق مزبور می‌توانست با شیوه متفاوتی با توفیق بیشتر اقدام نماید.

کلیدواژه: جستارهایی در فلسفه اسلامی، نوآوری‌های فلسفی، فیاضی، نبویان

مقدمه

پرداختن به فلسفه اسلامی که در طول تاریخ در معرض داوری و نوآوری متفکران و فیلسوفان زیادی قرار داشته است همچنان به عنوان یک امر ضروری، نیاز جامعه علمی بخصوص در حوزه علوم انسانی است. نظر به تاریخ فلسفه به طور عام و تاریخ فلسفه اسلامی به طور خاص نشان می‌دهد که تاملات فلسفی فیلسوفان مسلمان به مرور زمان منجر به پدید آمدن مکاتب مختلف فلسفی اعم از مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه شده است. البته در این رابطه، اختلاف‌های درون مکتبی را نباید از نظر دور داشت. غفلت از این امر ضروری می‌تواند منجر به درج‌زدگی یک رشته از جمله فلسفه اسلامی گردد. شناخت تاریخ یک تفکر می‌تواند به اندازه خود تفکر ارزشمند و سودمند باشد به نحوی که می‌توان بیان نمود که تاریخ فلسفه از فلسفه جدا نیست. شارحان و ناقدان مکاتب مختلف فلسفی در رشد و تعالی اندیشه و تفکرات فلسفی سهم موثری داشته‌اند به نحوی که می‌توان اذعان نمود که عموماً شناخت سیر تکاملی خود را مرهون تلاش شارحان و ناقدان در کنار بانیان و موسسان مکاتب فلسفی است. در رابطه با همین امر یادداشت حاضر نقد و بررسی کتاب

^۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران، r.mahdavi@umz.ac.ir, dr.azadboni@yahoo.com

جستارهایی در فلسفه اسلامی را ارائه می نماید. این اثر تالیف آقای سید محمد مهدی نبویان است که نویسنده محترم تلاش می کند در آن نوآوری های فلسفی آقای غلامرضا فیاضی را بیان و شرح دهد. لازم به ذکر است که جلد سوم این کتاب در اختیار منتقد قرار دارد و از مطالب و محتوای دو جلد دیگر اطلاعی ندارد. از این رو ممکن است برخی مطالب انتقادی اشاره به مواردی داشته باشد که نویسنده محترم در جلدهای قبلی بدان پرداخته باشد. در نقد پیش روی نویسنده در حالی که نه تنها اساساً این قبیل تالیفات را مورد تحسین قرار می دهد بلکه اعتراف می نماید که ضرورت این قبیل پژوهش ها که نسبت به شخصیت های فلسفی و متفکران انجام می شود عامل مهم و موثری در پیشبرد مرز دانش ها در یک حوزه از شناخت است. با این وجود، به اعتقاد منتقد، بنا به دلایلی که در بخش های بعد بدان اشاره خواهد شد نویسنده محترم قادر نبوده است یک اثر آموزشی یا یک اثر پژوهشی قابل قبول در سطح بالایی ارائه نماید.

کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی

کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی تالیف آقای سید محمد مهدی نبویان در ۶۲۱ صفحه به وسیله انتشارات حکمت اسلامی در بهار ۱۳۹۷ منتشر شده است. جلد سوم این کتاب که جهت ارزیابی انتقادی در دست بررسی قرار دارد در چهار فصل تنظیم شده است و هر فصل به موضوع خاصی از موضوعات فلسفه اسلامی می پردازد. فصل اول به مساله وحدت و کثرت می پردازد. بعد از مقدمه خیلی کوتاه پنج مساله در این فصل مطرح می شود که نویسنده گرامی هر یک را با مفهوم «امر» یعنی در امرهای پنج گانه عنوان بندی نموده است. امر اول مساله وحدت و کثرت، امر دوم مساله حمل و اقسام آن، امر سوم مساله تناقض، امر چهارم مساله تضایف و امر پنجم مساله واحد و کثیر را به عهده دارد. فصل دوم مساله علت و معلول را به عهده دارد. در این فصل نویسنده کتاب، در قالب شش امر مباحث مرتبط به علت و معلول را مطرح نموده در هر یک از این موارد بعد از ارائه مباحثی دیدگاه آقای غلامرضا فیاضی را نیز مطرح می سازد. امر اول تعریف علت و معلول، امر دوم اصل علیت، امر سوم اقسام علیت، امر چهارم سنخیت علت و معلوم، امر پنجم مسئله جعل و امر شش علت غایی را بیان می نماید. فصل سوم بعد از بیان مقدمه بحثی درباره مجرد و مادی را در قالب سه امر بیان می نماید. امر اول تعریف مجرد و مادی، امر دوم تغییر و حرکت در موجودات ممکن الوجود و امر سوم در باره نوع مجرد و افراد کثیر است. در فصل چهارم کتاب موضوع خداشناسی دنبال می شود. این بحث در قالب سه امر مطرح می شود. امر اول معرفت به خداوند، امر دوم اثبات وجود خداوند و امر سوم عهده دار صفات خداوند است.

نقد روش شناختی

پاره ای از مشکلات وجود دارد که کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی با هدف بیان آراء اختصاصی آقای غلامرضا فیاضی از آن رنج می برد. نویسنده کتاب اعتقاد دارد که آقای فیاضی در فلسفه اسلامی نظام منسجم جدیدی ارائه داده اند (ص ۲۰) و بیان آن را در این کتاب دنبال می نماید. نکته مهم در این رابطه روش عرضه این نظام منسجم فلسفی است. بیان

یک نظام منسجم فلسفی نیازمند یک روش مناسب است تا مخاطب را در دریافت نظام مزبور یاری رساند. بدون بیان مبانی بحث و بیان جایگاه یک فیلسوف و نظام فلسفی او در میان سایر مکاتب فلسفی بیان یک مکتب فکری-فلسفی امر قابل قبولی نخواهد بود. چرا که در واقع توصیف و تحلیل یک نظام فلسفی بدون بیان مبانی و روش تفکر فلسفی یک مشرب فلسفی خود گویای آن است در واقع مخاطب با یک مکتب و نظام فلسفی سروکار ندارد. از آنجا که مکاتب فلسفی در جهان اسلام محدود به سه مکتب عمده مشاء، اشراق و متعالیه است جا داشت تا نویسنده کتاب به طور آشکار و مستدل و مستند بیان می نمود که نظام منسجم فلسفی آقای فیاضی در کدام یک جای می گیرد. البته برای نگارنده روشن است که آقای فیاضی در قالب کدام مکتب فلسفی اندیشه های خود را ارائه می نماید. اما برای اینکه مشخص شود آیا آقای فیاضی از اساس دارای یک نظام فلسفی است یا نه جا دارد نویسنده کتاب به طور مستقل و به اندازه کافی به این مساله بپردازد که فقدان این بخش در اثر ارائه شده آشکار است. تقطیع آنچه که مربوط به آراء آقای فیاضی در تعلیقه های کتاب نهاییه است با افزودن مطالب زیادی از سایر منابع نمی تواند آن را به یک کتاب آموزشی یا پژوهشی تبدیل نماید. از این رو ضروری است نخست نویسنده گرامی جایگاه و مبانی روش شناختی و هستی شناختی آقای فیاضی را جهت بیان نظام فلسفی او مطرح نماید. سپس اصول و لوازم این نظام فلسفی بر سر مباحث مختلف بیان شود.

نکته دیگر درباره شیوه ارائه مطالب کتاب است. وقتی یک نویسنده خود را ملزم به بیان نوآوری های یک متفکر می نماید شیوه های مختلفی برای چنین امری وجود دارد. از رویکردهای توصیفی محض (گزارشی محض) گرفته تا رویکردهای انتقادی اعم از دفاع یا ردیه. در این اثر شیوه ارائه مطالب بیان نشده است. جا داشت نویسنده کتاب در مدخل یا مقدمه کتاب این موارد را آشکارا بیان می نمود و مشخص می کرد.

ناسازگاری عنوان کتاب با کمیت آن

اشکال دیگری که درباره کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی می توان مطرح نمود این است که کتابی که دارای چند جلد است و هر جلد آن بیش از پانصد صفحه حجم دارد انتخاب واژه «جستارهایی» در عنوان کتاب مناسب نیست. کتابی که در مجموعه جلد های مختلف با صفحات زیاد تالیف می گردد باید عنوان دیگری داشته باشد و با جستار بودن در تضاد است. البته لازم به ذکر است حجم وسیع کتاب با توجه به هدفی که دنبال می نماید (عرضه نظام فلسفی آقای غلامرضا فیاضی) قابل قبول نیست. نگارنده اعتقاد دارد کتابی که بتواند نظام فلسفی آقای فیاضی - البته اگر ایشان دارای چنین نظامی باشد- را نشان بدهد می تواند به مراتب با حجم کمتری نیز ارائه گردد. مولف کتاب حجم وسیع کتاب را مرهون آراء فیلسوفان و متفکران دیگر است که در آثار خود آن فیلسوفان - علامه جوادی آملی یا ملاصدرا- یا در آثار سایر نویسندگان مانند آقای عبودیت و دیگران منعکس یافته است. نقل قول های عربی در حد زیاد بخصوص از متون عربی ملاصدرا و یا به فارسی از آقای مصباح یا علامه جوادی آملی و در برخی موارد مانند صفحات ۵۸ و ۵۹ که بدون مرجع نیز است حجم کتاب را به طرز غیر قابل قبولی با توجه به عنوان کتاب وسیع کرده است. در نتیجه به نظر می آید مناسب است نویسنده گرامی کتابی با حجم قابل قبول - بخصوص با نظر به نکته ای که در بخش بعد بیان خواهد شد- در بیان دیدگاه های فلسفی

آقای غلامرضا فیاضی ارائه نماید. معنای این پیشنهاد این است که برای رعایت حجم منطقی کتاب نویسنده خود را محدود و ملزم به بیان دیدگاه‌های فرد مورد نظر نماید و از پرداختن به هر بحث فلسفی دیگر و بیان دیدگاه‌های دیگر که معلوم نیست مبنای انتخاب آن‌ها چه معیاری بوده است دوری نماید. تنظیم کتاب به این شیوه‌ای که ارائه شده است اشکال دیگری که دارد این است که همین کتاب را با همین مطالب می‌توان عنوان دیگری نیز بدان داد. به عنوان نمونه عنوان کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی که عهده‌دار بیان آراء اختصاصی آقای فیاضی است را می‌توان با نظر به محتوای کنونی آن به این صورت تغییر داد: جستارهایی در فلسفه اسلامی با هدف بیان آراء اختصاصی ملا صدرا. دلیل این مساله این است که نویسنده گرامی خود را محدود به تبیین دیدگاه‌های آقای فیاضی ننموده است و کمیت و کیفیت مطالب به گونه‌ای است که سایر بزرگان فلسفی نیز در این اثر گویی هدف نگارش کتاب بوده است و چنانچه بیان شده است همین امر خود در توسعه کمی کتاب نقش موثری داشته است.

نظام فلسفی

بدون تردید یکی از پرسش‌هایی که این کتاب با آن روبه‌رو است این پرسش است که آیا کتاب و به عبارت مناسب‌تر نویسنده آن توانسته است نظام فلسفی متفکر مورد نظر خود را منعکس نموده باشد؟ پاسخ نگارنده منفی است و مولف کتاب نتوانسته است اساساً نظامی از فلسفه در درون فلسفه اسلامی نشان بدهد. بیان دیدگاه‌های یک متفکر به صورت بیان تعلیقه‌گونه را نمی‌توان نظام فلسفی در نظر گرفت. چنانچه در بخش آغازین بیان شد در صورتی که آثار آقای فیاضی منعکس‌کننده نوعی نظام فلسفی منسجم است بر مولف گرامی کتاب لازم بود نخست مبانی و روش فرد صاحب یا موسس این مکتب را بیان نموده سپس دیدگاه‌های او را بر سر مسائل مختلف بیان می‌نمود. نظر به دیدگاه‌هایی که مولف گرامی به آقای فیاضی نسبت داده است و نیز نظر به ارجاعاتی که مولف گرامی به آقای فیاضی می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت که آقای فیاضی اساساً دارای یک نظام فلسفی نیست. داشتن دیدگاه‌ها در مورد برخی مسائل فلسفی به عنوان نمونه درباره تعریف یک مفهوم فلسفی یا یک اصل فلسفی نشان‌دهنده این نکته نیست که فرد مورد نظر دارای یک نظام فلسفی است. ارجاعات نویسنده گرامی درباره آقای فیاضی محدود به تعلیقه نهاییه یا فیش‌های دستی است. به عنوان نمونه صفحات ۳۹، ۱۷۹، ۱۶۴، ۱۸۲، ۱۴۲، ۱۳۳، ۲۵۰، و... به فیش‌های آقای فیاضی ارجاع می‌دهد. آقای غلامرضا فیاضی دارای تالیفات متعددی است اما ظاهراً دیدگاه‌های فلسفی ایشان در تعلیقه بر نهاییه عرضه شده است و در این رابطه یک اثر فلسفی ندارد که دربردارنده همه یا غالب مباحث فلسفه باشد. در چنین وضعیتی سخن از چند جلد کتاب که عهده دارد نظام فلسفی یک متفکر باشد چندان قابل قبول نخواهد بود.

فصل‌بندی کتاب

فصل‌بندی یک کتاب از قواعد صوری یک تالیف محسوب می‌شود و محدود ساختن نویسندگان در این رابطه امر پسندیده‌ای نخواهد بود. با وجود این جا دارد یک نویسنده در تنظیم مطالب کتاب خود از شیوه‌های مرسوم استفاده نماید

و در صورتی که بخواهد از شیوه‌ای غیر مرسوم مطالب کتاب را فصل‌بندی نماید معیار و مبنایی برای این کار داشته باشد و در مقدمه یا پیشگفتار کتاب بدان اشاره نماید. چنانچه در بالا بدان اشاره شد کتاب *جستارهایی در فلسفه اسلامی* دارای چهار فصل است و هر فصل به «امر»های مختلفی تقسیم می‌شود. به‌کارگیری اصطلاح امر در تالیفات نویسندگان معاصر مرسوم نیست و نویسنده گرامی نیز معیار و مبنایی برای این کاربرد بیان نکرده است و وجه به‌کارگیری واژه امر در مورد مباحث زیرمجموعه فصول در کتاب مزبور مخاطب را با ابهام همراه می‌سازد.

نکته دیگر درباره فصل‌بندی کتاب این مساله است که نویسنده محترم در جلد سوم مباحث امور عامه را در کنار امور خاصه بیان نموده است. مناسب بود مباحث مربوط امور عامه از مباحث خداشناسی جدا بیان می‌شد بخصوص که از صفحه ۲۶۹ فصل سوم که عهده دار خداشناسی است تا پایان کتاب (۶۱۷) حجم نسبتاً زیادی است و می‌توانست یک جلد و کتاب مستقلی نیز در نظر گرفته شود. به نحوی که دیدگاه‌های آقای فیاضی درباره خداشناسی در یک کتاب مستقل بیان می‌شد.

ملاحظات موضوعی

در کنار انتقادات مذکور در بخش بالا نقد محتوایی کتاب *جستارهایی در فلسفه اسلامی* نیز حائز اهمیت است. اما با نظر به حجم کتاب و مسائل متنوعی که نویسنده کتاب بدان می‌پردازد نقد محتوایی نیازمند فرصت بیشتر و مجال متفاوتی است. با این وجود به برخی نمونه‌ها که مقتضی فرصت نگارنده بوده است اشاره می‌شود.

وجود خارجی عدد

در فصل اول ذیل امر اول کتاب به بحث مساله وحدت و کثرت می‌پردازد. در نقد مساوت وجود و وحدت نویسنده کتاب در صفحه ۲۸ نکته‌ای را بیان می‌نماید که دیدگاه مرسوم نیست. بر این اساس نویسنده در دفاع از این دیدگاه که وجود و وحدت تساوق ندارد بلکه وجود اعم از وحدت است و شامل کثرت نیز می‌شود برای وجود واقعی و خارجی کثرت به وجود خارجی و واقعی عدد استناد می‌نماید و برای نمونه به کتاب روی میز مثال می‌آورد. نکته‌ای که این بحث را با ابهام روبه‌رو می‌سازد این است که ظاهراً نویسنده کتاب خارجیت عدد و معدود را درهم آمیخته است و وصف معدود را به عدد تسری می‌دهد. چرا که در خصوص خارجیت عدد اتفاق نظر وجود ندارد و اعداد به عنوان حقایق ریاضی، آرمان‌های عالم ذهن محسوب می‌شوند و به تعبیری همانند معقولات ثانیه فلسفی هستند. تنها دلیلی که نویسنده در رد نظریه تساوق وجود و وحدت به عنوان یک نظریه مشهور بیان می‌نماید استناد به وجود خارجی کثرت است و در دفاع از وجود خارجی کثرت تنها مستند کتاب وجود خارجی و عینی عدد است. در چنین وضعیتی جا دارد کتاب وجود خارجی اعداد را با قوت زیادی مطرح سازد که این کار انجام نمی‌شود در حالی که مساله عینی یا ذهنی بودن اعداد خود یکی از مباحث مهمی برای متفکران است.

موجود مادی

همچنین کتاب در فصل سوم بحث مجرد و مادی را مطرح می‌سازد. در امر اول کتاب خود را معطوف به تعریف مجرد و مادی می‌سازد. مطالبی که کتاب ذیل امر اول در تعریف مجرد و مادی بیان می‌دارد نشان می‌دهد که نویسنده محترم معنای درستی از مفهوم مادی به عنوان مفهومی که قسیم مفهوم مجرد است دریافت ننموده است. مقسم تقسیم موجود مجرد و موجود مادی وجود به معنای عام است بدون داشتن هر قیدی و به عبارتی وجود در اعتبار لابشرطی خود مقسم قرار می‌گیرد. کتاب در امر اول فصل سوم تعاریف مختلفی را به عنوان تعریف موجود مادی که قسیم موجود مجرد است ارائه می‌نماید ارجاع نیز می‌دهد. اگرچه ارجاعات داده شده درست هستند اما منابعی که کتاب به آن‌ها استناد می‌نماید هدف دیگری را از بیان بحث مادی و ماده دنبال می‌نماید. ماده و مادی گاهی به عنوان یک مفهوم نه قسیم موجود مجرد بلکه قسیم چیز دیگری است. مثلاً بحث درباره ماهیت جسم از دیدگاه فلسفه مشاء و متعالیه بیان می‌شود جسم ماهیت مرکبی دارد و جسم مرکب از ماده و صورت است. در این دیدگاه جوهر مادی قسیم صورت جسمیه قرار می‌گیرد. اگرچه میان فلسفه متعالیه و مشاء در نحوه ترکیب ماهیت جسم (اتحادی بودن و انضمامی بودن) اختلاف وجود دارد. روشن است که موجود مادی به عنوان قسیم موجود مجرد همان جوهر مادی نیست و نسبت این دو خود نسبت عام و خاص است. در نتیجه مراد از مادی که قسیم مجرد است جسم به معنای عام است که جسم و جسمانی را شامل می‌شود.

معرفت خداوند

بخش عمده جلد سوم کتاب جستارهایی در فلسفه اسلامی به فصل سوم و موضوع خداشناسی اختصاص داده شده است. یکی از مباحث این فصل درباره امکان معرفت خداوند است. مشکل این کتاب به طور کلی و این فصل به طور خاص این است که مباحث خیلی ضعیف و ناقص ارائه می‌شود. به عنوان مثال در بیان عدم امکان علم حضوری نسبت به واجب متعال نویسنده با یک ارجاع به کتاب *المباحثات* ابن سینا به عنوان دیدگاه مشاء ارائه می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که در مشاء علم حضوری واجب مردود ولی علم حصولی نسبت به واجب ممکن است. ضعف این مبحث این است که نویسنده بحث را به صورت مروری ارائه می‌کند در حالی که به عنوان نمونه ابن سینا در کتاب *المبدء و المعاد* بیان می‌دارد (ابن سینا، ۱۳۶۳، ۳۳) ان الواجب لا برهان له. چه بسا چنین رویکردی در ابن سینا منجر به برهان صدیقین در کتاب اشارات می‌شود. علاوه بر این نقص مطالب ارائه شده در این بحث از یک جهت در این مساله است که مشخص نیست دیدگاه‌هایی که بیان می‌شود صاحبان این دیدگاه‌ها چه کسانی هستند. ذیل استدلال نخست در استحاله علم حضوری نسبت به خداوند به صدرا ارجاع داده می‌شود ص ۲۷۳ سپس ذیل استدلال بعدی بر استحاله علم حصولی نسبت به واجب نیز به صدرا ارجاع داده می‌شود ص ۲۷۴ و ۲۷۵.

افزون بر این نکات، لازم به ذکر است کتاب خود را باید در هدفی که به خاطر آن نگاشته شده است حفظ نماید و آن بیان نوآوری‌ها و آراء اختصاصی آقای فیاضی است در حالی که این گونه نیست. اینکه آقای فیاضی اعتقاد دارد علم حصولی و علم حضوری هر دو نسبت به واجب متعال ممکن است نمی‌تواند نوآوری یا حتی دیدگاه اختصاصی در نظر گرفته شود. در صفحه ۲۸۵ نویسنده گرامی فقط دیدگاه آقای فیاضی را در این باره ذکر می‌نماید و بدون بیان استدلالی از آقای فیاضی، استدلال آقای فیاضی بر استحاله علم حصولی و حضوری نسبت به کنه واجب را مطرح می‌سازد.

نکته پایانی

این مقاله انتقادی با چند نکته پایانی به عنوان نتیجه بحث ادامه می‌یابد. کتاب *جستارهایی در فلسفه اسلامی* در بیان نوآوری‌های فلسفی آقای فیاضی توفیق مناسبی نداشته است و صرفاً بیان دیدگاه به صورت تعلیقه یا یادداشت‌های دستی نمی‌تواند مبنای مناسبی در نشان دادن و مستندسازی نوآوری یک متفکر در فلسفه اسلامی باشد. نوآوری می‌تواند در مبانی، روش یا مباحث موضوعی باشد و در صورتی که همه این موارد به وسیله یک متفکر ارائه گردد می‌توان از نظام فلسفی او سخن گفت.

کتاب *جستارهایی در فلسفه اسلامی* در صورتی توانسته باشد توفیقی داشته باشد در این زمینه است که فهرستی از دیدگاه‌های اختصاصی آقای فیاضی را ارائه نموده است. البته نویسنده گرامی در این کار شیوه مناسبی انتخاب نکرده است. مطالب در ذیل بسیاری از مباحث ناکافی و سطحی ارائه گردیده است و تتبع کافی در بیان دیدگاه‌های فیلسوفان مختلف انجام نشده است.

منابع

۱- ابن سینا، شیخ الرئیس، (۱۳۶۳) المبدء و المعاد، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران، کتابفروشی طهوری.